



## به مناسبت روز دزفول؛ شهر مقاومت همیشهگی

صدای بلندی همه شهر را لرزاند، مردم نمی دانستند این صدا را به چه شبیه کنند. سیل بود یا زلزله؟ نکند صبحه آسمانی بوده و آخرالزمان شده؟ همه به خیابان ها یا سر پشت بام ها رفتند تا ببینند چه شده است. آسمان پر از هواپیما بود. نه هواپیمای مسافربری یا تفریحی و آموزشی؛ هواپیمای جنگی... هواپیماهای جنگی عراقی. همین عراقی که تا دیروز همسایه بود و امروز سایه هواپیماهایش را بر شهر گسترانده است. دزفولی ها که غافلگیر شده بودند، می دیدند که آتش همه جای شهر را گرفته و نقطه نقطه شهر دارد می سوزد. همه در بهت فرو رفته بودند و نمی دانستند چه کنند. بچه ها ترسیده بودند و گریه می کردند. این آخرالزمان نبود. شروع یک دوره جدید و سخت بود که همه یک شهر با هم قرار بود تجربه اش کنند.

### شروع باران موشک

صبح روز ۱۷ مهر ۵۹ بود که موشکی شهر دزفول را لرزاند. البته که این روز اولین روز شروع جنگ نبود و در مناطق مرزی جنوب غربی ایران مدت ها بود ناآرامی برقرار بود، اما این موشک اولین حمله رسمی محسوب می شد. از آن روز شهر ۵۰۰۰ ساله دزفول آماج هجوم بیش از ۲۰۰ موشک دوربرد و راکت و بمب های هواپیماهای جنگی قرار گرفت. یکی از این موارد حمله موشکی به دزفول روز ۲۸ آذر ۶۱ بود که اولین مورد شلیک زمین به زمین به شهری از ایران است. حجم این بمباران ها آنقدر زیاد بود که خود عراقی ها به دزفول «بلد الصواریخ» یا «شهر موشک ها» می گفتند. تا پایان هشت سال جنگ تحمیلی، دزفول مورد اصابت ۱۷۶ موشک دوربرد فراگ و اسکاد بی، ۴۸۹ بمب و راکت و ۵۸۱ گلوله توپ قرار گرفت.

### چرا این حمله شدید علیه شهر دزفول صورت گرفت؟

باران این موشک ها در شرایطی بود که اکثر مردم در شهرشان ماندند و حاضر به ترک آنجا نشدند. حتی روند زندگی روزمره شان را هم تغییر ندادند. طی این هشت سال، به رغم گرد خیز و ترسی که ثانیه به ثانیه روی زندگی مردم نشسته بود، خانواده ها در خانه شان و مغازه دارها در بازارها هم به امور روزمره می پرداختند و هم از پشت جبهه، هوای خط مقدم را داشتند. شب ها به محض تاریکی هوا، شهر هم در تاریکی مطلق فرومی رفت. هیچ کس چراغ و حتی شمع روشن نمی کرد تا در دیدرس جنگنده ها نیاشند. در عین حال، همه پنجره ها را گل مالی کرده بودند تا مبادا شب ها کورسوی شمع که ممکن بود به اضطرار در یک خانه روشن شود، یک محله را به خطر بیندازد. سکوت شهر را فراموشی گرفت و جز صدای ترسناک جنگنده ها و غمبار ناله و جیغ کودکان بی گناه و خسته شنیده نمی شد. و ناگهان خانه های و محله های منفجر می شد. خانواده های بود که تا ۲۳ نفر از اعضای خود را از دست داده و باز

به پشتوانه مجموعه ده جلدی کتاب های تاریخ ادبیات کودکان گوشزد می کند و اگر فضای موزه اجازه فعالیت به او را ندهد، برنامه را برای کودکان در فضای باز و عمومی ارائه می دهد. خلاصه اینکه موزه دوستدار کودک و راهنمای آن در چهارچوب خاصی خود را خلاصه نمی کند. می تواند در قالب یک شخصیت معروف تاریخی یا داستانی راهنمای موزه برای کودکان باشد و اگر امکانش را دارد، بهتر است که یک روز خاص در موزه را برای بازدید کودکان، در برنامه شان بگذرانند تا با فراغال به کار بپردازند و شور و شوق کودکان برای سایر بازدید کنندگان برهم زنده شود. سکوت حاکم بر موزه نشود. برای کودکان امروزی که نسل دیجیتال هستند و علاقه زیادی به استفاده از ابزارهای هوشمند دارند، موزه ها می توانند با فناوری واقعیت افزوده (AR) و واقعیت مجازی (VR) بازدید از موزه را جذاب تر کنند که نیاز به همکاری تیم های فناوری و پژوهشگران تاریخ و موزه دار است و میزان استقبال نوجوانان علاقه مند به فناوری از موزه ها به طور چشمگیری افزایش پیدا می کند.

در کشورمان فعالیت های زیادی در حوزه موزه داری برای کودک و نوجوان در حال انجام است که موزه را از یک مکان ساکت و آرام به مکانی خاطره انگیز و شاد تبدیل کرده اند. حتی این امکان نیز وجود دارد که موزه دار از موزه خارج شود و به مدرسه، مهد کودک یا کتابخانه رفته و آنجا برای کودک و نوجوان از میراث ملموس و ناملموس بشری صحبت کند. همچنین با کارگاه های باستان شناسی برای کودکان، آشنایی با الفبا در گذر تاریخ، آشنایی با مرمت آثار سفالی و رنگ به رنگ لذت یابگیری را برای کودکان ایجاد کنند.

گروه رازگردونه از آن گروه های علاقه مند به کودک هستند که با نمایش و قصه هایی از ادبیات کهن با درون مایه هایی از مفاهیم صلح و دوستی بازدید کودکان از موزه ها را خاطره انگیز می کنند. آنها در موزه های مختلف برای گروه سنی ۴ تا ۱۰ سال برنامه های متفاوتی اجرا می کردند. موزه کودکی ایرانک، نمایشگاه موزه ای ویژه تاریخ و فرهنگ کودکی است که در آن به نشانه ها، پدیدارها، سندهای مربوط به زیست کودک و کودکی در سیر تاریخ پرداخته شده است؛ با هدف شناساندن تاریخ و فرهنگ به مخاطبانی از هر گروه و هر سن، کودک تا بزرگسال. این نمایشگاه موزه

در شهر مانده بود. چه مادرها که به سوگ فرزندان کوچک خود نشستند اما با این حال خانه بزرگ دزفول را ترک نکردند. مرحوم آیت الله قاضی، امام جمعه شهر از مردم خواسته بود خانه های خود را بازسازی کنند تا بتوانند به زندگی ادامه دهند. بعضی خانه هایی که در محله های مختلف بمباران می شدند تا سه بار بازسازی شدند. همه این کارها و فداکاری ها برای این بود که رزمندگانی که در فاصله چند کیلومتری برای حفظ مرز و ایران می جنگیدند روحیه شان حفظ شود. این اصرار و پایداری مردم شهر به حدی باعث آزار نیروهای عراقی بود که با هر شکست در مناطق عملیاتی جنگی، برای تلافی و البته آسیب رساندن به مردم و رزمندگان دزفول را مورد هدف قرار می دادند. یکی دیگر از دلایل فشار صدام بر دزفول، موقعیت استراتژیک شهر بود. صدام قصد داشت خوزستان را از ایران جدا کند. در نقشه های خود این استان را جزو عراق کرده و نام عربستان بر آن گذاشته بودند. دزفول هم که در شمال استان خوزستان است و برای اشغال کامل خوزستان می بایست از شمال، ارتباط این استان را از کشور قطع می کردند. صدام همه توانش را گذاشته بود روی این شهری که ساکنانش حاضر نشده بودند عرصه را برایش خالی کنند. مردم برای حفظ این مقاومت اساطیری و خارق العاده بیش از ۲۶۰۰ شهید در سنین مختلف تقدیم کرده اند.

### حملات به دزفول چگونه متوقف شد؟

در ازای این مقاومت با گوشت و تن مردم، رزمندگان هم به دنبال

یکی از درخشان ترین عملیات های ایران در جنگ تحمیلی بود که در مدتی کوتاه دستاوردهای زیادی به دنبال داشت. رزمندگان ایرانی با کمترین تلفات جانی توانستند ۲۸۰۰ کیلومتر مربع از خاک ایران را آزاد کنند. هرچند تعداد مجروحیت های سنگین و قطع عضو و نخاعی بالا بود. این عملیات و موفقیت های آن مقدمه ای شد برای طراحی عملیات بیت المقدس که منجر به آزادسازی خرمشهر شد.

### دزفول، شهر دژ

نکته ای که در هیچ سایت و کتاب مربوط به جنگ تحمیلی نیامده است سابقه شهر دزفول است. این شهر با قدمت ۵ هزار سال، همواره شهر مقاومت و دژی برای دفاع از سرزمین بوده است. از زمان ایلامی ها که اولین ساکنان این محدوده بودند این نگرهانی عادت و اخلاق مردم شده بود. اواسط سده دوم هجری، یعقوب لیث صفاری اولین دولت مستقل ایرانی را در این منطقه بنیانگذاری کرد و خاستگاه دولت ایرانی بود. مدفن این شاه در گندی شاپور ۱۲ کیلومتری دزفول است. در دوره صفویه و قاجار هم این شهر همواره محل نبرد حکومت وقت علیه شورشیان و متهمان بوده است. و نهایت مقاومت و حفظ کیان خود را در دوره هشت ساله جنگ تحمیلی دیدیم. اگر امروز آشپزها و دشت ها و کرانه های رود دزفول محل تفریح مردم شهر و مسافران است، همه به خاطر آن از خودگذشتگی هایی است که مادران و پدران با سپهر کردن تن خود و فرزندان شان بر صحنه این شهر ثبت کردند. روز ۴ خرداد به پاس این فداکاری ها و برای یادمان آن به نام روز دزفول نامگذاری شده است.

### عملیات فتح المبین

طرح ریزی این عملیات از اواسط آبان ۶۰ شروع شد. مقدمات و طرح ریزی های اولیه در دی تا بهمن انجام گرفت و سرانجام روز دوشنبه ۲ فروردین ۱۳۶۱ ساعت ۳۰ دقیقه بامداد با رمز یا زهر(اس) شروع شد. به غیر از دزفول، خارج کردن شهرهای اندیشمک و شوش از زیر آتش دشمن هم در اهداف این عملیات بودند. این عملیات یک هفته به طول انجامید و با تلفات انسانی بالا و پیروزی قطعی ایران به سرانجام رسید. هدایت نیروهای سپاه به عهده محسن رضایی و نیروهای ارتش توسط شهید صیاد شیرازی انجام گرفت. شهید حاج احمد متوسلیان و شهید حسن خزاری، شهید محمد ابراهیم همت و همچنین شهید قاسم سلیمانی از فرماندهان و چهره های تأثیرگذار این عملیات بودند. برای عملیات فتح المبین نیاز به هشت تیپ بود در حالی که سپاه تنها سه تیپ داشت. شهید همت و متوسلیان از جبهه غرب و شهید سلیمانی جوان از فرماندهانی بودند که در این تیپ سازی به کمک آمدند. این عملیات

### عطیه عیار

نویسنده



دزفول با قدمت ۵ هزار سال، همواره شهر مقاومت و دژی برای دفاع از سرزمین بوده است. از زمان ایلامی ها که اولین ساکنان این محدوده بودند این نگرهانی عادت و اخلاق مردم شده بود

